۵

از نفرتي لبريز

 ما نوشتيم و گريستيم

ما خنده‌کنان به رقص برخاستيم

ما نعره‌زنان از سرِ جان گذشتيم...

کس را پرواي ما نبود.

در دوردست

              مردي را به دار آويختند.

کسي به تماشا سر برنداشت.

□

ما نشستيم و گريستيم

ما با فريادي

از قالبِ خود

برآمديم.